

مبانی فقهی، حقوقی داوری و میانجیگری و نقش آنها در پیشگیری از وقوع آسیب اجتماعی طلاق

امیر ملاً محمدعلی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علمی کاربردی قم

dr.molla@gmail.com

منصور صفری مقدم

دانش آموخته دکتری، رشته الهیات و معارف اسلامی

safarimoghdam7@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در هر جامعه‌ای به حوزه خانواده برمی‌گردد و به دلیل همین اهمیت است که از آن به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی یاد می‌شود. خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی است که همواره در طول تاریخ وظایف مهمی در قبال جامعه به انجام رسانده است. بر این اساس است که ازدواج و پیوند زناشویی در تمام جوامع مقدس بوده و موانع فراوانی برای گسست این پیوند از طرف جامعه برای افراد وضع شده است. از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بی‌ثباتی خانواده، طلاق است، مطالعه آن اهمیت زیادی دارد؛ چراکه هم افراد متأثر از طلاق (اعم از زن و مرد و فرزندان) و هم جامعه از این پدیده تأثیر می‌گیرند. درعین حال مطالعه خانواده در جوامع امروزی نشان می‌دهد خانواده‌های امروزی با مشکلات فراوانی روبرو هستند؛ از جمله کودک‌آزاری، همسرآزاری، خشونت خانوادگی، ازهم‌گسیختگی نهاد خانواده. طلاق پدیده اجتماعی است که عوامل متعددی در وقوع آن دخیل است؛ از جمله این عوامل می‌توان به نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری و اعتیاد اشاره کرد. برای کاهش و پیشگیری از این آسیب اجتماعی، فقه اسلامی و حقوق موضوعه راهکارهایی

پیش‌بینی کرده‌اند؛ از قبیل داوری، میانجیگری، صلح و آشتی و پند و اندرز که هر کدام به نوبه خود در استحکام پیوند خانوادگی تأثیرگذار هستند. هدف از این پژوهش ارائه مهم‌ترین راهکار حقوق خانواده از جمله داوری و میانجیگری است که جهت پیشگیری از معضل اجتماعی طلاق می‌باشد. روش این تحقیق تحلیلی — توصیفی، با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و منابع دست اول است.

واژگان کلیدی: فقهی، حقوقی، میانجیگری، طلاق، آسیب اجتماعی

مقدمه و بیان مسئله

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بی‌ثباتی خانواده، طلاق است، مطالعه آن اهمیت زیادی دارد؛ چراکه هم افراد حاصل از طلاق، اعم از زن و مرد و فرزندان از این پدیده تأثیر می‌گیرند و هم جامعه تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. میزان و نوع تأثیراتی که می‌گیرند، در افراد مختلف متفاوت است؛ اما همه افراد مرتبط تحت تأثیر آن خواهند بود. اسلام با این جهت که از زور و سلاح قانون برای جلوگیری مرد از طلاق استفاده شود و زن با زور قانون در خانه مرد بماند، مخالف است؛ زیرا آن را با مقام و موقعیتی که زن باید در محیط خانواده داشته باشد، مغایر می‌داند. اینجا پرسشی مطرح می‌شود که آیا جامعه یا اجتماع، یعنی آن هیئتی که به نام محکمه و داور و میانجیگر و غیره نماینده اجتماع هستند، حق دارند در امر طلاق که از نظر اسلام مبغوض و منفور است، مداخله کنند؛ به این صورت که از تسریع در تصمیم مرد به طلاق جلوگیری کنند؟ جواب این است: البته می‌توانند چنین کاری بکنند؛ زیرا همه تصمیم‌هایی که برای طلاق گرفته می‌شود، نشانه مرگ واقعی ازدواج نیست و دلیل خاموش شدن کامل شعله محبت مرد و سقوط زن از مقام و موقعیت طبیعی خود و عدم قابلیت مرد برای نگهداری از زن نیست. نهاد داور و میانجیگری و قضاوت بر جان و مال و عرض و ناموس مردم نزد خدای تعالی در اسلام از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و از جمله حقوق الهی معرفی شده است.

قرآن کریم در آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا؛ و چنانچه بیم آن دارید که نزاع سخت بین آنها پدید آید، از طرف کسان مرد و کسان زن داور برگزینید، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند، خدا میان ایشان موافقت و سازگاری برقرار کند، که خدا دانا و آگاه است» (نساء: ۳۵) نقش داور و میانجیگری در پیشگیری از وقوع طلاق و امکان سازش و برگشت به زندگی را بیان می‌دارد.

محاکم و داوران و میانجیگران به عنوان نمایندگان از اجتماع می‌توانند متصدیان دفاتر طلاق را از اقدام به طلاق تا وقتی محکمه عدم موفقیت خود را در ایجاد صلح و

سازش میان زوجین به اطلاع آنها نرسانده است، منع کنند. آنها کوشش خود را در ایجاد صلح و سازش میان زوجین به عمل می‌آورند و فقط هنگامی که بر داور و میانجیگر ثابت شد که امکان صلح و سازش میان زوجین نیست، محاکم قضایی گواهی عدم امکان سازش را صادر می‌کنند و به اطلاع صاحبان دفاتر می‌رسانند. به‌طور قطع در میان زن و مرد باید صلح و سازش برقرار باشد. اما بین صلح و سازشی که در زندگی زناشویی باید حکمفرما باشد، با صلح و سازشی که میان دو همکار، دو شریک، دو همسایه، دو دولت مجاور و هم‌مرز باید برقرار باشد، تفاوت بسیار وجود دارد. صلح و سازش در زندگی زناشویی نظیر صلح و سازشی است که میان پدران و مادران با فرزندان باید برقرار باشد که مساوی است با گذشت و فداکاری و علاقه‌مندی به سرنوشت یکدیگر و شکستن حصار دوگانگی و سعادت او را سعادت خود دانستن و بدبختی او را بدبختی خود دانستن.

خانواده نیز یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین و تضمین می‌کند. فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه مهم‌تر از آن به لحاظ عاطفی — روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد. باین‌حال خانواده همیشه قادر به حفظ انسجام خود نیست. اختلافات خانوادگی آسیب‌ها و مشکلات خانوادگی، مجموعه رخدادها یا حوادثی هستند که بر یک یا چند تن از اعضا یا به‌طور کلی بر پیکره خانواده و جامعه تحمیل می‌شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهای فقهی و حقوقی انتخاب داور و میانجیگر از میان اقوام زوجین می‌باشد که در صورت ترس از اختلاف بین زن و شوهر ورود و دخالت داورانی از خانواده‌های زن و شوهر می‌تواند نقش‌آفرین و تأثیرگذار باشند تا میان آنان دآوری کرده و کار را به آشتی و سازش برسانند و مانع از وقوع طلاق باشند.

جامعه هر اندازه و به هر وسیله اقداماتی به عمل آورد که تصمیمات ناشی از عصبانیت و غفلت عملی نشود، و باعث انحراف زوجین نشود و موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم نکند، بجا و مورد استقبال اسلام است.

۱. پیشینه و روش تحقیق

داوری و میانجیگری در جوامع بشری نهادی دیرینه و به حکم منطق پذیرفتنی است که رسمی رایج در میان بسیاری از اقوام بوده است. پژوهش حاضر از جهت موضوع و مطالب، جدید و مورد نیاز روز می باشد. مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، فقط به بُعدی از ابعاد این موضوع اشاره کرده اند؛ از جمله مقالات آقایان محمد دانشگر و محمدرضا برومندزاده تحت عنوان «نقش میانجیگری کیفری در حل و فصل اختلافات قومی در استان کهگیلویه و بویر احمد» و مقاله ای دیگر از خانم لیلی احمدی تحت عنوان «میانجیگری الگویی برای رفع تعارضات». در مجموع مقالات مذکور جامع و کامل به موضوع مقاله حاضر نپرداخته اند و با موضوع مقاله مورد نظر متفاوت می باشند. لذا پژوهش حاضر از جهت موضوع و مطالب نگارش شده مورد جدیدی است. روش پژوهش حاضر به جهت جمع آوری اطلاعات از نوع پژوهش های پیمایشی جهت استفاده از اصول منطقی و علمی برای تبیین ارتباط امنیت اجتماعی و طلاق و داوری به عنوان راه پیشگیری تحقیقی، توصیفی و تحلیلی، و کاربردی است.

۲. کلیات و مفهوم شناسی

۲.۱. داوری در لغت و اصطلاح

داور و داوری از ریشه داد می باشد. داد به معنای قانون بوده و نیز به برخی نوشته های دینی اطلاق می گردد. داور در واقع همان داور بوده؛ یعنی کسی که اهل داد است. به داوری، دادیه نیز می گویند. همچنین داور به معنای اذ صاف دهنده، قاضی، حکم مشترک و کسی که میان مردم حکم و فصل دعوا کند نیز آمده است. در فرهنگ فارسی، حکمت نیز معادل داوری معنا شده و عبارت است از میانجیگری و داوری بین دو یا چند تن، رسیدگی و ختم قضیه در خارج از محکمه تحت شرایط معین (معین، ۱۳۵۳: ۲۳۵).

۲.۲. میانجیگری در لغت و اصطلاح

میانجیگری در لغت به معنای وساطت است و میانجیگری کردن، میانجی شدن، وساطت کردن، و میانجیگری نمودن، وساطت نمودن، واسطه واقع شدن و رجوع به

میانجی است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه میانجیگری). در اصطلاح میانجیگری عبارت است از «مداخله یک طرف موجه و بی طرف و فاقد تصمیم‌گیری آمرانه در یک اختلاف یا مذاکره به منظور کمک به طرف‌های اختلاف در رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف به صورت اختیاری» (گرشاسبی، ۱۳۸۸: ۱۲) یا «میانجیگری فرایندی سه طرفه یا سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری بر اساس توافق قبلی شاکی و متهم با حضور شخص ثالثی به نام میانجیگر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می شود» (سماواتی، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

۲,۳. آسیب

آسیب به مفهوم گذر از خط اعتدال است؛ به طوری که نقاط قطبی این خط یا محور ناظر به آسیب‌ها و نقطه میانی ناظر به حالت مطلوب یا وضعیت سلامت است. به عبارت دیگر در هر محور، دو نقطه لغزش وجود دارد و یک مسیر که در میانه قرار می گیرد (سارویی، ۱۳۸۷: ۶۱) به نظر می رسد آسیب عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می شود.

۲,۴. آسیب شناسی

آسیب شناسی از جمله اصطلاحات زیست شناسی و پزشکی است که در جامعه شناسی به کار گرفته شده است و در بحث انحرافات اجتماعی و کجروی‌ها به مطالعه بی سازمانی‌ها، آسیب‌های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، تبهکاری و جنگ همراه با علل، عوامل و شیوه‌های درمان آن و همچنین شرایط بیمارگونه و ناهنجار اجتماعی می پردازد (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۹: ۵۶).

برای مثال، آسیب شناسی خانواده مسئولیت شناخت بیماری‌های خانواده را به عهده دارد. در همین رابطه آسیب شناسی طلاق به بررسی آفات و آسیب‌های علل و عواملی می پردازد که باعث به وجود آمدن زمینه‌های طلاق می شود. بنابراین هدف اصلی از آسیب شناسی، آشنایی با رفتارهای ناهنجار و ناسازگار، مطالعه علل این پدیده‌ها و تحلیل آنها به منظور یافتن راه درست مبارزه است. طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی

می‌تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی را فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می‌تواند عوارضی برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد (بريجانيان، ۱۳۷۳: ۶۶).

۲.۵. طلاق در لغت و اصطلاح

طلاق در لغت، به معنای رها کردن و آزاد کردن است (تبریزی، ۱۳۵۸: ج ۳، ص ۳۵). طلاق در اصطلاح فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد. طلاق از نظر فقهی به ازاله قید نکاح به صیغه مخصوصه تعریف شده است؛ یعنی گسستن پیوند ازدواج با لفظی مخصوص (طاهری، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ص ۲۴۷).

۲.۶. مفهوم فقهی و حقوقی داوری

یکی از فقه‌های معاصر در تعریف فقهی داور یا قاضی تحکیم چنین نوشته است: «هو شخص او اشخاص یتراضی به او بهم طرفا النزاع، ان یترافعا عنده او عندهم وان یقبلا قوله او قولهم ویعملا بذلک» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق: ۱۰۷-۱۰۸).

متین دفتری در تعریف حقوقی داوری می‌نویسد: «زمانی که افراد از مداخله مراجع رسمی (قضایی) در قطع و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان صرف نظر نمایند و به حکومت خصوصی اشخاصی که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا درستکاری و امانت مورد اعتماد آنها هستند، تسلیم شوند» (متین دفتری و شمس، ۱۳۸۷: ۷۶).

۲.۷. مفهوم فقهی و حقوقی میانجیگری

مفهوم فقهی میانجیگری در نظام اسلامی، با ملاحظه روابط منسجم افراد در جامعه که از آن به اخوت ایمانی یا برادری اسلامی یا اصلاح ذات البین یاد می‌شود. همچنین با توجه به تأکید اسلام بر مباحث مصالح، گذشت و رضایت، زمینه کافی جهت حل اختلافات از طریق گفتگو و مصالحه و سازش وجود دارد؛ بدون اینکه لازم باشد به

مراجع قضایی مراجعه گردد (اعظمی، ۱۳۹۷: ۵). مفهوم حقوقی میانجیگر که در بند الف ماده ۱ آیین نامه میانجیگری بیان گردیده، «عبارت از فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد» (آیین نامه میانجیگری ماده ۱).

۳. اقسام داوری

داوری بر حسب نوع آن که ناشی از اراده و خواست اطراف دعوا یا به تشخیص و تصمیم دادگاه باشد، به داوری اختیاری و داوری اجباری تقسیم می‌شود.

۳.۱. داوری اختیاری

منظور از داوری اختیاری آن است که طرفین دعوا با تراضی هم تصمیم می‌گیرند که حل اختلاف بین آنها از طریق داوری انجام شود و شخص یا اشخاصی را به‌عنوان داور یا داوران انتخاب کرده و خود را تابع حکومت آنان در موضوع مورد اختلاف، قرار می‌دهند.

به همین دلیل است که داوری را حکمیت نیز می‌گویند و به داور حکم نیز اطلاق می‌شود. از طرفی همین داوری اختیاری نیز از جهت اینکه ممکن است قبل از بروز اختلاف یا بعد از آن باشد، خود به دو قسم، ارجاع امر به داور قبل از بروز اختلاف و بعد از بروز اختلاف، قابل تقسیم است. ممکن است افراد قبل از اینکه اختلافی حادث شود، مثلاً هنگام عقد قرارداد بیع یا اجاره، در ضمن قرارداد قید کنند که در صورت بروز اختلاف، دعوا از طریق داوری حل و فصل شود. در این صورت داور یا داوران معینی که مشخصات وی را می‌نویسند، بین آنها حکمیت می‌کنند و رأی داور یا داوران مذکور به‌نحوی که در قرارداد جزئیات آن را می‌نویسد (واحدی، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

۳،۲. داوری اجباری

گاهی دادگاه رأساً حل مسئله و رسیدگی به موضوع اختلافات را به داوری ارجاع می‌کند که این موارد را داوری اجباری می‌نامند؛ زیرا طرفین دعوا نقشی در این امر ندارند و ارجاع امر به داوری ناشی از خواست و اراده آنها نیست، بلکه دادگاه بنا به دلایلی با توجه به اوضاع و احوال قضیه مطروحه یا طبیعت کار مصلحت را در آن می‌بیند که مورد اختلاف را به داوری ارجاع دهند. نمونه بارز و مصداق این نوع داوری در طلاق است. به عبارت دیگر داوری اجباری آن نوع داوری است که ارجاع دعوا و اختلاف به داوری موقوف به توافق طرفین دعوا اختلاف بر داوری نباشد (همان: ۳۵۷).

۴. آرا و نظرات مذاهب فقهی در مورد داوری و میانجیگری

نظام حل و فصل دعاوی از طریق داوری و میانجیگری، در شریعت اسلام پذیرفته شده است. لذا در رابطه با مفهوم و ماهیت داوری و میانجیگری اکثر فقهای امامیه قائل اند داوری همان قضاوت تحکیمی است؛ اما برخی دیگر از فقهای امامیه گفته اند داور و میانجیگر، وکیل طرفین اختلاف و داوری، نوعی وکالت است. محقق حلی در شرایع الاسلام در خصوص قاضی تحکیم چنین می‌گوید: «ولو استقضى اهل البلد قاضياً، لم تثبت ولايته نعم لو تراضی خصمان بواحد من الرعية و ترفعا اليه فحكم بينهما الزمها الحكم و لا يشترط رضاهما بعد الحكم؛ اگر اهالی یک شهر قاضی تعیین کرده باشند، ولی ولایت وی ثابت نگردد، در صورت تراضی طرفین، می‌توانند دعوا را به داور و میانجیگر بسپارند» (محقق حلی، ۱۳۵۸: ۳۵).

اما از نظر و دیدگاه‌های فقهای دیگر مذاهب فقهی غیر از مذهب امامیه باید اذعان داشت که رواج داوری و میانجیگری بیشتر توسط برخی از فقهای اهل سنت مطرح گردیده است که همه آنها درباره جواز رجوع به قاضی تحکیم (داوری) اتفاق نظر دارند و فقط معدودی از شافعیان، از جمله غزالی، رجوع به قاضی تحکیم را جایز نشمرده اند (غزالی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۲۹۳). از طرفی شماری از فقهای اهل سنت، به آیه ۳۵ سوره نساء استناد کرده اند که ناظر است به رجوع به حکمیت هنگام وجود اختلاف

میان زوجین، بدون آنکه سخن از جدایی در میان باشد. بنابراین آیه، هنگام بروز اختلاف (شقاق) تمام افراد جامعه، به‌ویژه بستگان زوجین، مسئولیت دارند آنان را به حکمیت ارجاع دهند. رأی حکم نیز باتوجه به دامنه اختیارات او و توافق طرفین قابل اجراست (طبرسی، ۱۳۷۹: ج ۲۱، ص ۴۵۲).

۵. آثار و پیامدهای آسیب اجتماعی طلاق

به‌نظر می‌رسد گذشته از اعضای خانواده، آثار و پیامدهای ناشی از طلاق می‌تواند اجتماع را تحت تأثیر قرار داده و تبعاتی را در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرائم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، فروپاشی خانواده، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری کنترل جرائم و ناهنجاری‌ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب‌های اجتماعی همچون فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و... افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی — اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان ازجمله عوارض اجتماعی ناشی از طلاق هستند.

۵.۱. آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه

مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج‌های موقت یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، روی آوردن به آسیب‌هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و... ازجمله آثار و پیامدهایی است که زنان مطلقه با آن درگیر هستند (صدرالاشرفی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۵.۲. آثار و عوارض منفی طلاق برای مردان

فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب‌ها مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اختلالات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی و قرار گرفتن در معرض انواع

بیماری‌های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و همبستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج‌های موقت و ازدواج‌های ثانویه، اختلاف بین فرزندان با همسر در صورت ازدواج مجدد، از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان است (همان).

۵.۳. آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان

آثار و عوارض طلاق بر فرزندان از آن جهت قابل اهمیت است که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوءظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی قتل، دزدی، فحشا و... ازدواج زودرس به‌ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی، بی‌خوابی، سوء تغذیه، بی‌اشتهایی یا پرخوری عصبی و... است (همان).

۶. راهکارهای فقهی و حقوقی پیشگیری و مانع از طلاق

۶.۱. شقاق و بیم انحلال

یکی دیگر از راهکارهای فقه اسلامی در پیشگیری و حل مشکلات خانوادگی، تأیید و امضای نهاد داوری و میانجیگری بر اساس نص صریح قرآن کریم و فتاوی فقهای امامیه می‌باشد. قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره نساء در مورد موضوع داوری و میانجیگری و ارجاع به حکمیت مورد توجه قرار گرفته است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا؛ و اگر از ناسازگاری و جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنا اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند، زیرا خداوند، (از نیات همه) باخبر و آگاه است» (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۰).

۶,۲. حضور عدلین در اجرای طلاق

اسلام از هر چیزی که مرد را از طلاق منصرف سازد، استقبال می‌کند. اسلام عمداً برای طلاق شرایط و مقرراتی قرار داده که طبعاً موجب تأخیر افتادن و غالباً موجب انصراف از طلاق می‌گردد. به هر حال یکی از اموری که موجب انصراف مردان از طلاق می‌گردد، لزوم حضور عدلین است. اسلام برای ازدواج که آغاز پیمان است، حضور عدلین را شرط ندانسته؛ زیرا نمی‌خواسته است عملاً موجبات تأخیر افتادن کار خیری را فراهم آورد، ولی برای طلاق با اینکه پایان کار است، حضور عدلین را شرط دانسته است (همان: ۵۱).

۶,۳. داشتن عذر شرعی زن

اسلام در مورد ازدواج عادت ماهانه زن را مانع وقوع عقد قرار نداده؛ اما آن را مانع وقوع طلاق قرار داده است. زمان عادت را مانع صحت طلاق قرار داده، ولی مانع صحت عقد ازدواج قرار نداده است. در بعضی مواقع سه ماه «تربص» لازم است تا اجازه صیغه طلاق داده شود. بدیهی است این همه عایق و مانع ایجاد کردن به منظور این است که در این مدت ناراحتی‌ها و عصبانیت‌هایی که موجب تصمیم به طلاق شده است، از میان برود و زن و مرد به زندگی عادی خود برگردند (همان: ۵۵).

نتیجه

بنابر آنچه گفته شد و با توجه به وضع داور و میانجیگری در شریعت و فقه و حقوق اسلام می‌توان نتیجه گرفت که این نهادهای حقوقی مدنی بتواند بدون تشریفات اداری و دادرسی محض و فارغ از هرگونه اجبار حقوقی و قضائی و صرف وقت و زمان طولانی در راستای حل منازعات و فصل خصومت‌های خصوصی، و پیشگیری از طلاق در سایه رضایت طرفین یا افراد ذینفع یا حتی خانواده‌ها و غیره برآید و منشأ آثار و خیر و برکت و صلح و آشتی شود و مانع به وجود آمدن یک آسیب اجتماعی شود. آثاری که از این عمل فقهی و حقوقی محقق می‌شود، به مثابه شرایط ضمن عقد محسوب می‌شود که متعاقدین یا متعاملین با طیب نفس و اراده آن را پذیرفته‌اند و از باب اصل فلسفی و عقلی و فقهی و حقوقی حاکمیت آزادی اراده و از باب «أوفوا بالعقود، أوفوا بالعهود، المؤمنون عند شروطهم» به نتایج آن پایبند باشند.

از طرفی این تأسیس حقوقی، مثبت این موضوع است که دولت و سیستم قضائی تنها مرجع رفع خصومت و حل و فصل و رتق و فتق دعاوی و منازعات نیست؛ بلکه اشخاص یک جامعه یا جوامع متفاوت می‌توانند طبق تراضی و توافق حاکم و قاضی، داور و میانجی در دعاوی و روابط مدنی خود باشند. ضمن اینکه این مرجعیت را تابع حدود و ثغور و شرایطی می‌دانند و هدف از مداخله میانجی و میانجیگر و تأثیر آنها بر پیشگیری از وقوع طلاق و حل موضوع مورد اختلاف این است. یکی از راه‌حل‌های جایگزین حل و فصل اختلافات و کاستن از حجم پرونده‌های کیفری و جلوگیری از اطاله دادرسی، ارجاع امر به داور و میانجیگری است. مشروعیت این امر در فقه و حقوق اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است و اکثریت فقها به جواز شفاعت در جرایم تعزیری نظر داده و شفاعت در حدود را نپذیرفته‌اند. مقنن نیز با امعان نظر از مبانی فقهی و با توجه به روش‌های جایگزین حل اختلافات به جهت زدودن آمار کلان پرونده‌های کیفری و جلوگیری از اطاله دادرسی، با طرح سیاست جنایی تقنینی فرایند داور و میانجیگری را در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ مورد پذیرش قرار داد. در واقع فرایند داور و میانجیگری، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که طی آن با مدیریت داور و میانجیگر و با حضور بزه‌دیده و متهم و در صورت ضرورت، سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آنها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذیربط رسمی، عمومی یا مردم‌نهاد، با بهره‌گیری از نظام عدالت ترمیمی، برای حل و فصل اختلاف کیفری و حقوقی و خانوادگی با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته‌اند. خلاصه اینکه نهادهای فقهی و حقوقی اصلاح ذات‌البین و شفاعت در واقع امر خود جلوه‌ای فقهی و حقوقی از شیوه داور و میانجیگری است که در دوره کنونی از مصادیق اجرایی پیشگیری از وقوع طلاق و مانع از ایجاد زمینه آسیب اجتماعی شناخته می‌شوند.

الف) راهکارهای فردی

کفو و همسان بودن از شرایط مهم ازدواج، همسان بودن است. زن و مردی می‌توانند در کنار همدیگر زندگی سعادت‌مندی آغاز کنند که از نظر ظاهر و باطن به هم شباهت داشته باشند. رسول اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «انکحوا الاکفاء و انکحوا کفوها؛ زمینه ازدواج هم‌کفوها را فراهم آورید». اولین مسئله در همسان بودن، ایمان و دیانت است. چه بسا زن و مردی که هر دو مسلمان هستند، ولی یکی مؤمن و دیگری بی‌ایمان است. دومین مسئله داشتن تقواست که در جنبه‌های رفتاری، رعایت حقوق متقابل در برخورد با همسر و سایر افراد خانواده و نحوه اداره و تدبیر زندگی نمود می‌یابد. سومین مسئله، داشتن عقل و هوش است؛ بنابراین جوانان علاوه بر بلوغ جنسی باید به بلوغ فکری نیز رسیده و آمادگی لازم را از هر جهت برای ازدواج داشته باشند.

ب) راهکارهای شناختی

راهکارهای مناسب برای شناخت متقابل وقتی قرار است دو نفر یک عمر با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند، باید دیدگاه‌های مشترک، سلیقه‌های متناسب باهم، افکار، اخلاق و روحیاتی که به یکدیگر نزدیک بوده، داشته باشند و حساسیت‌های خانوادگی از دو سوی مورد توجه باشد. مگر نه اینکه ناسازگاری‌های اخلاقی، اغلب پس از ازدواج و برآورده نشدن برخی توقعات متقابل یا ناهنجاری‌های رفتاری زوجین یا فامیل‌های آنان بروز می‌کند. شناخت قبلی و پرس‌وجوهای پیش از عقد و کسب آگاهی از ویژگی‌ها و مشاوره با دیگران، راهی برای پیشگیری از بروز اختلافات است.

ج) راهکارهای خانوادگی

رفع اختلافات از طریق بزرگان فامیل یکی دیگر از دستورهای اسلام در جهت محدود ساختن طلاق و جلوگیری از وقوع آن که متأسفانه در جوامع اسلامی فراموش شده است، لزوم رجوع اختلافات زناشویی به حکمیت است. حکمیت باید از بین خویشاوندان طرفین و نزدیکان آنها باشند تا از دامنه اختلافات بکاهد و مسئله اختلاف زوجین به خارج از محیط خانواده کشانده نشود؛ زیرا اختلافات خانوادگی، همین‌که از

حدود خانواده تجاوز کرد، باعث می شود زن و مرد اعتماد قبلی به یکدیگر را از دست داده و محبت و دوستی که لازمه زندگی زنا شویی است، از بین برود. خداوند متعال توفیق خود را شامل حال داورانی خواهد کرد که قصد اصلاح داشته باشند.

(د) راهکارهای اجتماعی

برگزاری دوره های مناسب آموزش قبل از ازدواج، آسیب شناسی طلاق، علل و عوامل و راهکارهای پیشگیری از آن، ایجاد واحدی آموزشی در دبیرستان که موضوعاتی چون آیین زندگی، سازگاری و تکامل را آموزش دهد، بسیار کارساز است. باید انگیزه های ازدواج، انتخاب و گزینه های مورد نظر را به جوانان آموزش داد. آموزش حقوق زوجین، تدوین و ارائه آموزش های عمومی و رسمی حقوق زوجین به نسل جوان، برای آشنایی و آمادگی قبول مسئولیت وظایف خود در خانواده می تواند در استحکام و دوام آن مؤثر باشد. مشاوره رایگان، ایجاد و توسعه مراکز مشاوره و راهنمایی مخصوص خانواده، متشکل از کارشناسان علوم دینی، روان پزشکان و مددکاران اجتماعی، راهگشا خواهد بود. پرهیز خانواده ها از ازدواج های سرسری و نسنجیده نیز ضروری است.

(ه) راهکارهای فرهنگی

راهکارهای فرهنگی شامل این موارد می شود: آموزش شیوه های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارت های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری؛ ترویج فرهنگ مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات؛ تقویت بنیان های مذهبی و ارزش های دینی و اخلاقی در سطح جامعه؛ ترویج فرهنگ همسان گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی های اخلاقی — رفتاری زوجین قبل از ازدواج؛ نفی فرهنگ جنسیت سالاری در خانواده ها از طریق آموزش روش های صحیح تربیتی؛ فرهنگ سازی در جهت رعایت تقوا، عدالت و پایبندی به ارزش های اخلاقی توسط همسران و اجتناب از تعدد زوجات؛ آموزش شیوه ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش های سستی ازدواج؛ ایجاد مراکز مشاوره به ویژه در دانشگاه ها جهت بهبود فرایند همسریابی؛ پرهیز

خانواده‌ها از دخالت‌های بدون آگاهی و بینش در زندگی فرزندان؛ پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های تحمیلی فرزندان.

(و) راهکارهای اجرایی

تصحیح و ارتقای نظام حقوقی، اخلاقی و تربیتی خانواده مبتنی بر اصول و مبانی فرهنگ اسلامی - ایرانی؛ تصحیح و ارتقای شناخت و مهارت‌های زندگی تمام اعضای خانواده براساس آموزه‌های اسلامی — ایرانی؛ زمینه‌سازی تبلور استعدادها و توانمندی‌های روانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی اعضای خانواده؛ بهبود وضعیت معیشتی خانواده و تأمین رفاه اجتماعی؛ توسعه و تقویت ارائه خدمات خاص به خانواده‌های آسیب‌پذیر جامعه؛ ساماندهی نظام ثبت ازدواج و طلاق، به‌ویژه در مناطق محروم حاشیه‌ای کشور که خرده‌فرهنگ‌ها حاکم است؛ ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحران‌ها و اختلافات خانوادگی؛ کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده، خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و... در سطح جامعه؛ توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها به‌منظور کاهش فشارهای اقتصادی حاکم؛ کنترل مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها؛ رفع تبعیضات طبقاتی و توسعه امکانات و فضاهای آموزشی، هنری، تفریحی به‌منظور ساماندهی اوقات فراغت خانواده‌ها، به‌خصوص در مناطق محروم؛ تقویت و توسعه طرح‌های پیشگیری از همسرآزاری و سازش خانوادگی با همکاری سازمان‌های غیردولتی؛ توانمندسازی و ایجاد فرصت‌های اشتغال و گسترش حمایت‌های بیمه‌ای از زنان؛ ایجاد ستاد پیشگیری از طلاق در کشور با تصویب لایحه کاهش طلاق توسط مجلس و دولت؛ تشکیل ستاد ملی زن و خانواده در راستای حمایت از ازدواج آسان و پیشگیری از وقوع طلاق؛ طراحی زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت اختلال‌گرایانه اطرافیان در زندگی زوجین؛ پخش برنامه‌های آموزشی خانواده (مباحث بهداشتی، پزشکی، روان‌شناختی و تفاوت مرد و زن، مسائل اخلاقی و احکام ازدواج و طلاق)؛ چراکه بسیاری از زوج‌های جوان پس از ازدواج با مسائل جدیدی روبرو می‌شوند که برای حل آن نیاز به آگاهی دارند؛ ازاین‌رو صدا و سیما می‌تواند با پخش برنامه‌های مناسب آموزشی این آگاهی را به زوج‌های جوان دهد.

منابع

قرآن کریم

۱. اعظمی، محسن، (۱۳۹۷)، میانجیگری کیفری در حقوق ایران با رویکرد فقهی، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی اسلامی.
۲. بریجانیان، ماری، (۱۳۷۳)، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویرایش بهاءالدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. تبریزی، جوادبن علی، (بی تا)، أسس القضاء و الشهادة، قم: دفتر مؤلف.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران.
۵. شعبانی سارویی، رمضان علی، (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی فرقه های انحرافی»، فصل نامه معراج اندیشه، سال دوم، شماره سوم.
۶. صدر الشهید، عمر بن عبدالعزیز، (۱۹۷۹)، کتاب شرح ادب القاضي للخصاف، ج ۴، بغداد: چاپ محیی هلال سرحان.
۷. طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹ق)، مجمع البیان العلوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۰. _____، (۱۴۱۷ق)، المبسوط، ج ۸، تهران: چاپخانه حیدری.
۱۱. _____، (۱۴۱۷ق)، الخلاف، ج ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۲. غزالی، احمد، (۱۳۵۸)، مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، تهران: چاپ احمد مجاهد.
۱۳. فرمehنی فراهانی، محسن، (۱۳۷۹)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش.
۱۴. قوانین و آیین نامه های میانجیگری.

۱۵. گرشاسبی، اصغر، (۱۳۸۸)، هنر و فن میانجیگری، تهران: میزان.
۱۶. متین دفتری، احمد و عبدالله شمس، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، بی جا: دراک، چاپ دوازدهم.
۱۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، ترجمه ایزدی، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، آشنایی با علوم اسلامی، تهران: صدرا، چاپ ششم.
۱۹. _____، (۱۳۸۶)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، چاپ بیست و نهم.
۲۰. معین، محمد، (۱۳۵۳)، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران: امیر کبیر.
۲۱. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، (۱۴۲۳ق)، فقه القضاء، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الجامعه المفید.
۲۲. واحدی، قدرت الله، (۱۳۸۵)، بایسته های آیین دادرسی مدنی، تهران: میزان.